

شماره: 410-05-NT-PK-L-0027

تاریخ: ۱۴۰۵/۰۲/۲۲

صفحه: ۱ از ۱

پیوست: دارد

مدیریت محترم پروژه نیروگاه خورشیدی ۲۰ مگاواتی زارچ یزد

جناب آقای مهندس دبیری

موضوع: گزارش تحلیلی و تبیین اقدامات اصلاحی در جانمایی تجهیز کارگاه (Site Mobilization Optimization)

با سلام و احترام،

پیرو پرسش‌های مطرح شده در خصوص جابه‌جایی و بازآرایی واحدهای استقرار (کانکس‌ها) در سایت، توجه آن مدیریت محترم را به ملاحظات راهبردی و عملیاتی ذیل که منجر به اتخاذ این تصمیم در شرایط حساس کنونی گردید، جلب می‌نماید:

۱. استراتژی «تداوم عملیات» در شرایط بحرانی (Wartime Operational Continuity):

در برهه‌ای که به دلیل شرایط ویژه منطقه و وضعیت جنگی، ابهامات محیطی منجر به تعلیق بسیاری از پروژه‌های همجوار شده بود، این پیمانکار با درک حساسیت زمانی پروژه و پایبندی به تعهدات ملی و قراردادی، اجازه توقف در روند تجهیز کارگاه را نداد. ما بر این باور بودیم که «تجهیز سریع» پیامی از پایداری و قدرت اجرایی پروژه به ذینفعان صادر می‌کند. لذا بدون انتظار برای نهایی شدن جزئیات اداری و طراحی، با پذیرش ریسک‌های لجستیکی، عملیات استقرار را آغاز کردیم.

۲. عدم قطعیت در نقشه‌های مصوب (Plot Plan Latency):

استقرار اولیه واحدها بر اساس پیش‌فرض‌های مهندسی و با هدف «صفر کردن زمان انتظار» صورت گرفت. از آنجا که تاییدیه نهایی Plot Plan و نقشه‌های لجستیک به دلیل فرآیندهای بازنگری توسط کارفرما با تأخیر ابلاغ گردید، تعارضاتی بین چیدمان عملیاتی و نقشه‌های نهایی پدید آمد. در آن مقطع، پیمانکار دو راه پیش رو داشت:

الف: توقف تجهیز کارگاه تا زمان ابلاغ نقشه‌ها (که منجر به تأخیر حداقل ۲۰ روزه در کل پروژه می‌شد).

ب: استقرار موقت جهت پیشبرد جبهه‌های کاری و سپس اصلاح چیدمان.

ما با فداکاری و انتخاب گزینه دوم، «زمان» را برای پروژه خریداری کردیم.

۳. پذیرش هزینه‌های لجستیک مجدد (Remobilization) به عنوان حسن نیت:

هرگونه جابه‌جایی ناشی از تغییر در نقشه‌های ابلاغی، طبق فهرست بها و عرف پیمانی، مشمول هزینه‌های گزاف بارگیری، تخلیه، زیرسازی مجدد و بازسازی تأسیسات است. با این حال، این شرکت در راستای حمایت از منابع مالی پروژه و اثبات تعهد خود در شرایط سخت جنگی، کلیه هزینه‌های این جابه‌جایی را شخصاً متقبل شده و هیچ‌گونه ادعای مالی (Claim) یا درخواست هزینه‌کرد مازاد بابت این عملیات به کارفرما ارائه ننموده است.

۴. نتیجه‌گیری و رویکرد آتی:

جابه‌جایی صورت گرفته نه یک خطای اجرایی، بلکه یک «هزینه مدیریتی برای جبران تأخیر در طراحی» بود که توسط پیمانکار پرداخت شد. ما با به‌کارگیری تکنولوژی‌های نوین (نظیر سیستم برق خورشیدی مستقل) و پذیرش هزینه‌های جابه‌جایی، عملاً ریسک‌های زمانی کارفرما را به حداقل رسانده‌ایم.

انتظار می‌رود دستگاه نظارت با درک این رویکرد تعاملی و حمایتی، همراهی لازم را در جهت تایید سایر بخش‌های نوین و ضروری تجهیز کارگاه (که با هدف ارتقای کیفیت و پایداری پروژه اجرا شده‌اند) مبذول فرماید.

با احترام

علی سیماب

